

۳- اصلاح خط موجود عربی معمول در ایران و ساده کردن آن و داخل کردن حرکات در جزو حروف و این بنظر ما از دو شق دیگر بهتر و مناسبتر و سهل تر است .

این نکته را نیز باید در نظر داشت که ناقص بودن خط عربی را از همان اوایل ظهور اسلام متوجه شده و در صدد اصلاح برآمده اند ولی موفق نشده اند . در خاطر ندارم کجایده ام ولی در ذهن دارم در کتابی دیدم که در زمان مأمون الرشید این عقیده قوت گرفت که حرکات (اعراب) و علامات را جزء حروف نمایند و جمعی از دانشمندان و فضلا وقت مأمور این امر شدند و مدتی یعنی چند سال بمطالعه و تجربه پرداختند و موفقیت حاصل نکردند و این معنی ضرب المثل شد که هر گاه میخواستند بگویند مگر کار محال یا بسیار مشکلی انجام داده‌ئی میگفتند مگر اعراب را جزء حروف کرده‌ئی .

این امر محال نیست و شدنی است و شاید بسیار آسان باشد اما چون به فعل نیست و در قوه است یعنی موجود نشده اما امکان وجود دارد تا کنون بفکر یک نفر خطور نکرده است زیرا محقق است که در عالم امکان شاید صدها شکل و راه باشد که بتوان این اصلاح را عملی کرد و چون تعقیب نشده است کشف نکرده و یکی از کارهای بسیار لازم فرهنگستان ایران است که هیئتی از مردم با هوش و دانشمند و با تجربه را برای این کار انتخاب کند و مأموریت دهد که در این کار مطالعه و تجربه نمایند .

البته نباید انتظار داشت که این هیئت همه روزه مانند کارمندان اداری مجبور باشند آخر روز کاری انجام شده تحویل بدهند تا هر چه افکار بچگانه بنظرشان رسید فوراً بشورای معارف تقدیم کنند و از شورا هم امر به اجرا نمودن و بکار بستن آن صادر گردد مانند لغات بسیاری که بیشتر آنها هیچگونه مناسبت و اساس ندارد و لازم نبود مردم را مجبور کنند که آنها را استعمال کنند و زبان فارسی را خراب و ضایع نمایند .

نه. اینطور نباید اقدام شود ممکن است سی سال این کار را تعقیب کنند و پس از سی یا چهل سال کم کم موفقیت پیدا شود و راه‌هایی کشف گردد و همیشه یعنی هر شش ماه یکدفعه نتیجه مطالعات این هیئت را توسط روزنامه‌ها و مجلات و رساله‌ها منتشر کنند و در معرض انتقاد و بحث فضا، قرار دهند و هر چه را رأی عموم پسندید اجرا نمایند و معمول و متداول سازند.

در اینجا قدری حاشیه رفتیم و از مطلب دور افتادیم.

ما درست نمیدانیم که آیا برای زبان فارسی جدید یعنی زبان دری یا این زبانی که ما امروز بآن تکلم میکنیم و مینویسیم دستور زبان کامل و لایقی نوشته شده است یا نه زیرا ممکن است کتابهایی بوده و از میان رفته باشد. بعقیده نگارنده این سطور از پیش و بعد از فتنه مغول تا کنون کتابی در صرف و نحو زبان فارسی نوشته نشده است که بکار آید و علت آنهم بنظر ما چند چیز است یکم طرز و ساختمان زبان فارسی میباشد زیرا هیچ زبانی از زبانهای زنده امروز به آسانی و طبیعی زبان فارسی برای کسانی که فارسی زبان مادری آنها میباشد نیست چه از طرز فکر و چه از حیث صرف افعال و جمله بندی و ترکیب لغات. بدیهی است این سهولت و آسانی تا حد معینی میباشد یعنی تا اندازه نیاز توده مردم و برای احتیاجات ساده و ضروری هر روزه نه برای درجه استادی و انشآت بدیع و مغلط و اشعار مصنوع و پر تکلف و صنایع. این موضوع منحصر بزبان فارسی نیست بلکه در تمام زبانها کم و بیش همین آسانی زبان برای متکلمین آن زبانها هست و اشکال زبانها را بیشتر اجنبیان که میخواهند زبانی بیاموزند حس میکنند. بهمین سبب است که ایرانیان صرف و نحو زبان عربی را تکمیل کرده و بر پایه و اساس متینی گزاردند و بهمین دلیل اهالی هندوستان که زبان فارسی تحصیل کرده و مدتها زبان فارسی در هندوستان زبان ادبی فضایی آندیار بوده احياناً راجع بدستور زبان فارسی بیشتر و بهتر از خود ایرانیان چیز نوشته و از عهده بر آمدند.